



عمده‌ترین ویژگی نمایش خانگی از یک سو پرداختن به موضوعات جزئی و دقیق روزمره است؛ مطالعه لایه‌های عمیق شخصیت افراد و حتی ظاهر افراد که در برخی مواقع حتی در فیلم‌های تلویزیونی، کمتر به آن پرداخته می‌شود. ویژگی دیگر نمایش خانگی، آزاد بودن مخاطب فیلم‌ها است که قرار نیست در مفاهیم کلیشه‌ای از پیش تعیین شده به قضاوت بپردازند؛ این باعث می‌شود که امکان نوعی سیالیت آزادانه در تفسیر و داوری به آنها واگذار شود

زنان خیر

و نمایش‌های خانگی

مهری بهار

عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

نمایش‌های خانگی

موضوعات جزئی و دقیق روزمره است؛ مطالعه لایه‌های عمیق شخصیت افراد و حتی ظاهر افراد که در برخی مواقع حتی در فیلم‌های تلویزیونی، کمتر به آن پرداخته می‌شود. ویژگی دیگر نمایش خانگی، آزاد بودن مخاطب فیلم‌ها است که قرار نیست در مفاهیم کلیشه‌ای از پیش تعیین شده به قضاوت بپردازند؛ این باعث می‌شود که امکان نوعی سیالیت آزادانه در تفسیر و داوری به آنها واگذار شود.

برای اشاره به اینکه چگونه رسانه به بازتولید قدرت ایدئولوژیک از خلل کنشگرانی به نام زن می‌پردازد لازم است در ابتدا به ورود رسانه‌های جدید از جمله نمایش‌های خانگی که در سال‌های اخیر، پتانسیل زیادی را برای معرفی فعالیت‌های خیرخواهانه البته با الگوهای نوین فراهم کرده است، اشاره‌ای داشته باشیم. عمده‌ترین ویژگی نمایش خانگی از یک سو پرداختن به

خبریه، مشارکت اجتماعی حرفه‌ای تر زنان

شده‌اند. اشاره به این فیلم‌ها نشان می‌دهند که زنان، جسورانه در نوعی مشارکت اجتماعی نوع‌دوستانه ورود پیدا کرده‌اند. آنها خواسته‌اند با بازی در این فیلم‌ها، خلأ شکاف جامعه را با ورود خود و کمک‌های انسان‌دوستانه که برای مردم مشروعبیت بیشتری دارد، پر کنند. ثانیاً زنان، غیر از آنکه به فعالیت‌های خیرخواهانه علاقه‌مندند، آن را فرصتی برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خود تلقی می‌کنند.

اولاً باید اذعان داشت که ساخت این گونه فیلم‌ها با محوریت زنان و در فضای خیر امری بسیار پسندیده است و تأکید بر فعالیت متفاوت جنسیتی آنها نیز دارد اما این باعث نمی‌شود که نقدهایی بر نوع بازنمایی زنان محوری این داستان‌ها صورت نگیرد.

این فیلم‌ها به دو مسأله اشاره دارند: اولاً زنان در مقایسه با چند سال گذشته تغییر نقش داده‌اند و از هدیه‌دهندگانی ساده، به مشارکت‌جویانی حرفه‌ای و حتی به قطب‌های اصلی مؤسسات خیریه تبدیل

خیلی وقت است که در بین محققان رسانه و دوستداران خیریه و البته مورخان تاریخ شفاهی، این سؤال وجود دارد که با توجه به زمینه‌های دینی در خصوص خیر دوستی و داشتن سبقت طولانی مدت گفتمان وقف و خیر در این فرهنگ و البته کمک‌های فراوان انسان‌دوستانه خیرین ایرانی، چرا در رسانه، گزارش، مصاحبه و یا فیلمی درخور زندگی و تلاش‌های خیرین کارآفرین ساخته نمی‌شود؟ که اولاً نسل جدید از دستاورد رنج‌ها و از خودگذشتگی‌های افراد خیر خود، مطلع شوند و ثانیاً این دستاوردها، روایتگر تولید فرهنگ خیر برای ما ایرانی‌ها شوند به گونه‌ای که هر یک از ما تشویق شویم که به گونه‌ای فرهنگ خیر را در خود تقویت کنیم. با توجه به این فقدان مهم، تلویزیون و بخصوص نمایش‌های خانگی چند سالی است که به درست یا غلط، تولید فیلم‌هایی با زمینه‌های خیر را در دستور کار خود قرار داده‌اند. از جمله سریال‌هایی که به موضوع کارآفرینی و خیر پرداخته‌اند می‌توان به دو فیلم «ملکه گدایان» و «یاغی» اشاره کرد که محصول سینمای خانگی در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ هستند. شخصیت اصلی این دو فیلم طنز طباطیبی در فیلم یاغی و رویا نونهالی در فیلم ملکه گدایان، زنان خیری هستند که بدون اشاره دقیق به مدیریت آن دو در دو مؤسسه خیریه ناآشنا، عمل به شدت آلوده و فرصت‌طلبانه آنها در فضای خیرخواهانه تحت عنوان کمک‌های انسان‌دوستانه، بازنمایی می‌شود.

به نظر می‌رسد در بازنمایی زنان خیر در سریال‌های نمایش خانگی مسائل اقتصادی و کسب سود بر فضای نیکوکاری و فعالیت نوع‌دوستانه غلبه کرده است. آنچه از زن خیر در ذهن ما با دیدن این گونه فیلم‌ها تداعی می‌شود زنی است با مختصات طبقه مرفه و بالای جامعه اما نوکیسه، زنی بی‌دغدغه نسبت به خیر اما هوچی‌گر، زنی خیر اما رانت‌خوار و فرصت‌طلب، زنی انتقام‌گیر اما با ظاهری دلسوز به طبقه‌های زیردست، هنردوستان و حاشیه‌ای مثل کودکان کار، زنی با ظاهری زیبا اما درونی زشت و کریه و بیمار

بازنمایی منفی از زنان خیر

انجام می‌پذیرد و به تقویت و بازنمایی قدرت منفی زنانه کمک می‌کند. بازنمایی منفی از این زنان در سریال‌های خانگی، عمل خیریه‌ای را عملی سودجویانه و غیرخیر اجتماعی تعریف می‌کند. به طور خلاصه پوشاندن چهره واقعی خیرین با نمایش پشت سر گذاشتن و دور زدن قوانین، خودشیفتگی اغراق‌آمیز و زیر سؤال بردن ارزش‌های معنوی، از دستاوردهای این نوع بازنمایی در سریال‌های نمایش خانگی محسوب می‌شود.

به بازنمایی این دوزن در این دو سریال خانگی و با آنکه این دو سریال بسیار پر بیننده بودند، می‌توانیم پی برد که بازنمایی زنان در فضای خیر و خیریه‌ها، برای نمایش خانگی، فضایی برای بازتولید قدرت به نظر می‌رسد در این بازنمایی مسائل اقتصادی و بر فضای نیکوکاری و فعالیت نوع‌دوستانه غلبه آنچه از زن خیر در ذهن ما با دیدن این گونه فیلم‌ها تداعی می‌شود زنی است با مختصات طبقه مرفه اما نوکیسه، زنی بی‌دغدغه نسبت به خیر، زنی خیر اما رانت‌خوار و فرصت‌طلب، زنی با ظاهری دلسوز به طبقه‌های زیردست، حاشیه‌ای مثل کودکان کار، زنی با ظاهری زیبا اما درونی زشت و کریه و بیمار. در نتیجه این سریال‌ها بی‌روشنی از شفافیت زندگی زنان خیرخواه و فضایی برای نقد به عملکرد این مؤسسه‌ها نیست. فعالیت انسان‌دوستانه اگرچه عملی عوام‌مقدس است اما توسط زنان عملی بسیار ویژه‌تر به نمایش درمی‌آید؛ به گونه‌ای که الیت‌ها از سوی زنان، برای خدمت به خود

